



Quarterly Scientific Journal of Human Resources & Capital Studies

Online ISSN: 2783-3984

<http://ensani.ir/fa/article/journal/1568>

<http://civilica.com/1/87979/#>

<http://magiran.com/8116>

**The relationship between emotional intelligence and critical thinking with professional self-efficacy of Petro Niroo Saba employees**

**Emran Baouj Khoshamian**

MSc Student of Organizational and Industrial Psychology, Department of Psychology, Islamic Azad University, Tonekabon Mazandaran Branch, Tonekabon, Iran

**Mitra Sadoghi**

Assistant Professor of Narrative Sciences and Educational Management, Islamic Azad University, Tonekabon Mazandaran Branch, Tonekabon, Iran

**Mina Naeimi**

PhD student of Economics, Economics Department, Faculty of Management and Economics and Entrepreneurship, Razi University, Kermanshah, Iran

**Date of receipt: 25/01/1401**

**Date of acceptance: 10/03/1401**

**Review**

Employee self-efficacy is the main issue that has always occupied the minds of managers. Given that the self-efficacy of human resources is the most important source of competitive advantage in any organization, managers are always trying to improve the performance of their employees in order to achieve their goals. The purpose of this study is to investigate the relationship between emotional intelligence and critical thinking in order to increase the professional self-efficacy of Petro Niroo Saba employees. In this study, the variables of emotional intelligence, critical thinking as predictor variables and self-efficacy as criterion variables were examined. In a cross-sectional descriptive-analytical research design, 150 employees of Petro Niroo Saba Company were selected from Krejcie and Moorgan table using the population size using simple random sampling. These employees completed the standard questionnaire of emotional intelligence and critical thinking and professional self-efficacy. Pearson multivariate correlation test with stepwise method was used to evaluate the results. Findings There was a positive and significant relationship between emotional intelligence component and critical thinking with professional self-efficacy of employees ( $p < 0.05$ ). Stepwise regression analysis showed that among the research variables, critical thinking has the most impact on the criterion variable, namely self-efficacy. Due to the significant relationship between emotional intelligence and critical thinking with professional self-efficacy in employees, increasing the ability of employees to control emotions and have critical thinking, will provide the ability to cope adaptably to the requirements and conflicts of life and will cause positive and flexible performance. Provide self-efficacy in relation to the community for employees and prevent the occurrence of negative emotions.

**Keywords:** emotional intelligence, professional self-efficacy, critical thinking

## ارتباط هوش هیجانی و تفکر انتقادی با خودکارآمدی حرفه ای کارکنان شرکت پترو

### نیرو صبا

#### عمران بانوج خوشامیان

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی سازمانی و صنعتی، گروه روانشناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

#### میترا صدوقی

استادیار گروه علوم تربیتی و مدیریت آموزشی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

#### مینا نعیمی

دانشجوی دکتری اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵

### چکیده :

خودکارآمدی کارکنان به عنوان اصلیترین مسئله ای است که همواره ذهن مدیران را به خود مشغول کرده است. با توجه به اینکه خودکارآمدی نیروی انسانی مهمترین منبع کسب مزیت رقابتی در هر سازمانی به شمار می آید، مدیران همواره میکوشند عملکرد کارکنان سازمان خود را ارتقا بخشند تا از این راه به اهداف خود برسند. هدف از انجام این مطالعه رابطه بین هوش هیجانی و تفکر انتقادی به منظور افزایش خودکارآمدی حرفه ای کارکنان شرکت پترو نیرو صبا است. در این مطالعه متغیرهای هوش هیجانی، تفکر انتقادی بعنوان متغیرهای پیش بین و خودکارآمدی بعنوان متغیر ملاک مورد بررسی قرار گرفتند در یک طرح پژوهش توصیفی- تحلیلی از نوع مقطعی، از روی جدول کرجسی و مورگان با در نظر گرفتن حجم جامعه تعداد ۱۵۰ کارکنان شرکت پترو نیرو صبا با استفاده از نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. و این کارکنان پرسشنامه استاندارد هوش هیجانی و تفکر انتقادی و خودکارآمدی حرفه ای را تکمیل کردند. در بررسی نتایج از روش آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره با روش گام به گام استفاده شد. یافته ها بین مولفه هوش هیجانی و تفکر انتقادی با خودکارآمدی حرفه ای کارکنان رابطه مثبت و معنادار دیده شد ( $p < 0.05$ ). تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که از بین متغیرهای تحقیق تفکر انتقادی بیشترین تاثیر رو بر روی متغیر ملاک یعنی خودکارآمدی دارد. با توجه به وجود رابطه معنادار هوش هیجانی و تفکر انتقادی با خودکارآمدی حرفه ای در کارکنان افزایش توانایی کارکنان برای کنترل هیجانات و داشتن تفکر انتقادی، امکان مقابله سازگاران با مقتضیات و کشمکش های زندگی را فراهم نموده و سبب خواهد شد عملکرد مثبت و منعطف و خودکارآمدی را در ارتباط با جامعه برای کارکنان تأمین شود و از بروز هیجانات منفی ممانعت کند.

واژگان کلیدی : هوش هیجانی، خودکارآمدی حرفه ای، تفکر انتقادی